سرمقاله

دولت و لزوم توجه جدی به امنیت غذایی مردم

حفیظ الله ذکی

دو و نیم ملیون نفر در افغانستان باکمبود شدید مواد غذایی مواجه می باشند. به عبارت دیگر دو و نیم ملیون نفر در زیر خط فقر قرار دارد که به کمک های عاجل غذایی نیازدارند. در همین حال سازمان ملل متحد تنها کمک غذایی به ۲.۱ ملیون نفر را تعهد کرده است. اگرچه در سال های اخیر گامهای کوچکی در راستای افزایش محصولات غذایی و بهبود روند مصؤنیت غذایی در کشور برداشته شده است؛ اما هنوز هم تا رسیدن به مرحله خود کفایی و سطح استندرد زندگی راه درازی در پیش رو داریم. روز جهانی غذا فرصتی را فراهم می آورد تا کشورها و سازمان های بین المللی به انگیزه برقراری روابط در زمینه توسعه زراعت و جلوگیری از فقر و گرسنگی تلاش کنند. روز جهانی غذا هم هشدار و هم زنگ بیدار باشی است برای مردم جهان که این لکه ننگ و بدنامی برای بشریت امروز را از بین ببرند و دست یاری به طرف کسانی دراز کنند که از ابتدایی ترین حق زندگی یعنی غذا محروم مانده اند. در روز جهانی غذا معمولا اهداف زیر دنبال می شود:

۱- تشویق و تحریک ملت ها، دولت ها، مراکز بین المللی و نهاد های غیر دولتی به افزایش تولید محصولات زراعتی برای پایان دادن به گرسنگی.
۲- تشویق به برقراری ارتباط کشورهای در حال توسعه برای همکاری های اقتصادی و زراعتی.
۳- تشویق روستائیان و خصوصا زنان به مشارکت در تصمیم گیریهایی که شرایط زندگیشان را بهبود می بخشد.
۴- توجه دادن ملل به عواقب و پیامدهای گرسنگی در جهان.
۵- تشویق انتقال تکنولوژی به جهان در حال توسعه.
۶- تلاش برای ایجاد همگرایی بین المللی و ملی برای مبارزه علیه گرسنگی، سوتغذیه وفقر.

افغانستان یکی از فقیرترین کشورهای دنیا به شمار می رود؛ با این حال این کشور پتانسیل بسیار قوی برای توسعه زراعت و افزایش محصولات زراعتی خود دارد. افغانستان آب و زمین کافی برای کشت دارد؛ اما هنوز نتوانسته از این منابع به صورت درست و منطقی بهره برداری نماید. منابع آبی کشور از چهار طرف به کشورهای همسایه سرازیر می شود و زمین های وسیع بلا استفاده باقی مانده است؛ ولی دولت نه سیاست کنترل مهار آب های سطحی را روی دست گرفته و نه برنامه ای برای توزیع عادلانه زمین تدوین کرده است. امروزه در توسعه زراعت به جای استفاده از آب های رو زمینی، مردم به استفاده از آب های زیر زمینی و حفر چاه های نیمه عمیق رو آورده اند که این مسأله ممکن است در کوتاه مدت میزان محصولات زراعتی ما را افزایش دهد؛ اما در دراز مدت این کشور را با بحران کمبود آب مواجه می سازد.

افغانستان برای رسیدن به امنیت غذایی و رهایی از فقر و گرسنگی باید به چند مسأله توجه جدی مبذول دارد:

۱- مهار آب دریاها از طریق سد سازی و ایجاد بند برق.
۲- پلان توزیع عادلانه زمین و در پیش گرفتن سیاست اصلاحات اراضی در کشور.
۳- مدرنیزه کردن کشاورزی که این کار خودش به چند عامل دیگر بستگی پیدا می کند:
الف: آگاهی روستاییان از نحوه کشت و زراعت به شکل جدید.
ب: آموزش روستاییان به نحوه استفاده از ابزار آلات مدرن زراعتی.
ج: آموزش و مشارکت گسترده و فعال زنان در تولید محصولات زراعتی.

در حال حاضر افغانستان در معرض بحران اقتصادی وافزایش بیکاری مواجه می باشد و به دلیل ناامنی، فساد گسترده و قوانین سختگیرانه زمینه سرمایه گذاری خصوصا در بخش زراعت و مالداری را به شدت کاهش داده است. در حالی که فعالیت صنایع تولیدی نیز با رکود مواجه می باشد؛ رجوع افراد جویای کار تنها به ادارات دولتی محدود شده است که بدون شک ادارات دولتی اولا: قشر خاص تحصیل کرده و اغلب جوان را استخدام می کنند و ثانیا، توان پاسخگویی به نیازمندی های شغلی این قشر را نیز نمی تواند براورده سازد. از اینرو لازم است که زراعت در روستاها توسعه پیدا کند، تا طیف وسیع با سواد و بی سواد مردم دراین بخش مشغول کار شوند و از تراکم مردم در ادارات دولتی به میزان زیادی کاسته شود.

افغانستان و بازی با دو ابر قدرت جهان

علی قادری

چندی پیش جنرال دوستم معاون اول ریاست جمهوری به روسیه سفر کرده بود از مقامات روسی خواسته بود تا به افغانستان کمک نظامی نماید. مسکو به درخواست افغانستان جواب مثبت داده بود. اکنون اما، اشرف غنی، رئیس جمهور از پوتین خواسته است تا برای مبارزه با شورشیان به افغانستان تجهیزات نظامی ارسال نماید. هلیکوپتر Mi-۳۵ از جمله مواردی است که اشرف غنی از پوتین خواسته است به افغانستان بدهد. اشرف غنی و معاون اول ریاست جمهوری در حالی از روسیه کمک نظامی درخواست نموده است که آمریکا متحد استراتژیک افغانستان خوانده بود و روسیه و آمریکا در سطح نظام بین الملل به خاطر کنترل و نفوذ بر نظام رقابت می کند. در عین حال، دو کشور در مورد مسائل سوریه با همدیگر اختلاف نظر دارند. اکنون این سوال پیش می آید که آیا افغانستان قادر به بازی با دو ابر قدرت جهان است؟ آیا نزدیکی با روسیه موجب تغییر سیاست های آمریکا در قبال افغانستان نخواهد شد؟ آیا این سیاست ها موجب گسترش ناامنی و بی ثباتی کشور نمی شود. در نوشتار کنونی به این مسئله پرداخته و سوال های مذکور را پاسخ می گویم.

اول؛ تجربه تاریخی ما نشان می دهد که دوری از یک ابر قدرت و نزدیکی به دیگری پیامد های ناگوار داشته است. در زمانه داوود خان که ما در قطب چپ قرار گرفته داشتیم داوود خان یکباره با قطب چپ برید و به راست پیوست. این تغییر استراتژی موجب شد که شوروی کمونیست ها را در داخل افغانستان کمک نمود. کمونیست با حمایت شوروی توانست کودتا نماید و داوود خان را به شکل فجیع همراه با خانواده اش به قتل برساند و قدرت سیاسی را به دست گیرد. این اولین تجربه ما در تغییر استراتژی نسبت به قدرت های بزرگ بود که هزینه سنگین برای افغانستان در پی داشت. شکل گیری گروه های جهادی، جنگ جهادی ها با کمونیست ها، جنگ داخلی میان گروه های مختلف اجتماعی و حضور گروه طالبان نتیجه آن چرخش بود. اکنون ما در قطب آمریکا قرار داریم و روسیه به عنوان رقیب این کشور محسوب می شود، نزدیکی به روسیه بدون شک، مایه نگرانی واشنگتن خواهد شد و آن ها اقدامات را به منظور جلوگیری و حفظ افغانستان در ساحه نفوذ خود اقدام خواهد کرد. از این جهت، احتمال آن می رود که افغانستان یکبار دیگر تجربه گذشته را تکرار نماید.

دوم؛ افغانستان جز کشور های پسا منازعه محسوب می شود که دولت در آن ضعیف و ناتوان است. قادر به سرکوب و منکوب کردن شورش ها نیست. بر قلمرو خود حاکمیت کامل ندارد. قادر به انحصار کردن خشونت نیست. بنابراین، به خاطر ضعف و ناتوانی دولت ما قادر به بازی با دو ابر قدرت نمی باشیم. این بازی بیش از آن که برای سودی در پی داشته باشد، موجب ضعف و ناتوانی بیشتر دولت می گردد و ناامنی در کشور افزایش می یابد و کشور را به میدان رقابت دو ابر قدرت تبدیل می کند. سران حکومت وحدت ملی باید از تجربه تاریخی درس عبرت گرفته و از بازی با دو ابر قدرت دست بکشد در غیر آن احتمال تکرار تجربه تاریخی وجود دارد. ممکن چنین استدلال گردد که در زمانه داوود خان نظام بین الملل دو قطبی غیر منطف بود و جدا از قطب و پیوستن به قطب دیگر هزینه ها و تنبیهات را در پی داشت و اکنون نظام بین الملل سلسله مراتبی است و هزینه ها و تنبیهات به پیمانه زمان داوود خان نیست. در پاسخ باید گفت که سلسله مراتبی بودن نظام بین الملل باعث نشده است که روسیه از رقابت با آمریکا دست بکشد. آمریکا نیز حاضر نیست که موقعیت و جایگاه خود را در نظام بین الملل کاهش دهد. از این جهت، خارج شدن افغانستان از زیر نفوذ آمریکا می تواند منجر به تغییر استراتژی این کشور در مورد افغانستان شود و افغانستان را یک بار دیگر میدان جنگ و رقابت تبدیل کند.

سوم؛ در شرایط کنونی ما دارای نظام دموکراتیک می باشیم رابطه با آمریکا به سود دموکراسی نوپا و جوان افغانستان است. زیرا، آمریکا حامی نظام های دموکراتیک در جهان محسوب می شود. روسیه اما، تعهدی در قبال نظام های دموکراتیک ندارد. برای آن ها نظام های اقتدارگرا بیشتر جذابیت دارد تا نظام دموکراتیک. از این جهت، نزدیکی با روسیه ممکن صدمه جدی به دموکراسی جوان ما وارد نماید. با توجه به اهمیت دموکراسی و حقوق بشر و ارزش های جدید بهتر آن است که روابط ما با آمریکا حفظ گردد. از ظرفیت های موجود برای تحکیم دموکراسی، دولت-ملت سازی و رشد اقتصادی و مبارزه با گروه های دهشت افکن استفاده گردد. ظرفیت های زیادی وجود دارد که ما می توانیم از آن ظرفیت ها برای بهبود وضعیت عمومی کشور استفاده نمایم.

چهارم؛ ظرفیت ها تعهد آمریکا در قبال افغانستان و پیمان امنیتی افغانستان با آمریکا است. ما در سال گذشته پیمان امنیتی با ایالات متحده آمریکا امضا نمودیم. این پیمان ظرفیت های زیادی را به وجود آورد. از جمله کمک دوام دار آمریکا به افغانستان و به خصوص به بخش نظامی کشور و کمک به افغانستان در مبارزه با تروریسم و دهشت افکنی. اشتباه است اگر بپنداریم که نظام بین الملل شکل و فرم جدید به خود می گیرد و ساختار سلسله مراتبی دوباره به سمت قطبی شدن جهان در حرکت است. آمریکا همچنان به عنوان ابر قدرت نظامی و اقتصادی در جهان مطرح است و آن ها این قدرت خود را در برای چند دهه دیگر حفظ خواهد کرد. نه روسیه و چین و هند به این زودی قادر به رقابت جدی در عرصه های مختلف با آمریکا نیست. بنابراین، پندار های ما در مورد ساختار نظام بین الملل و بازی برمبنای پندار های اشتباه از بنیاد نادرست است. بنابراین، بجای صرف انرژی و نیرو برای نزدیک شدن به روسیه بهتر آن است که انرژی و نیرو های خود را صرف استفاده از ظرفیت های موجود در رابطه با آمریکا نمایم و از حضور این کشور در افغانستان سود جویم و کمک های بیشتر برای سرکوب شورش ها و مبارزه با تروریسم به دست آوریم. اشتباه است اگر بپنداریم که ما همانند کشور های دیگر می توانیم با دو ابر قدرت بازی نمایم. ما نه دولت قوی داریم و نه قادر به تهدید نظم منطقه و جهان هستیم. از این جهت، بازی با دو ابر قدرت منجر به جدی گرفته شدن ما از سوی کشور های دیگر نمی شود. از این جهت، باید عاقلانه و مدبرانه رفتار نمایم و سیاست خارجی خود را طوری تعریف نمایم که موجب ستیز و منازعه میان کشور های مختلف نگردد.

در پایان باید یک بار دیگر متذکر شد که نزدیکی با روسیه موجب دوری از آمریکا خواهد شد و آمریکا در منطقه دوباره روی پاکستان حساب خواهد کرد. در آن صورت، این ماییم که هزینه می پردازیم. اگر نزدیکی با روسیه مزیت های برای حکومت افغانستان دارد در مقابل هزینه های نیز در پی خواهد داشت که هزینه آن بیشتر از مزیت های آن است.

خشم طبیعت و همیاری انسانی!

عبدالله هروی

چند روز پیش زلزله ای با قدرت۷، ریشتر نزدیک بسیاری از بخش های کشور را بشمول بعضی از کشور های همجوار را لرزاند. در این رابطه گزارش ها حاکی از آنست زلزله‌ی روز دوشنبه گذشته با قدرت ۷.۵هم ریشتر که مرکز آن در ولسوالی جرم بدخشان بوده است؛ تاکنون تلفات و زخمی های بسیاری برجای گذاشته است. هم چنین خسارات برجای مانده ناشی از این زلزله نیز گسترده و تکان دهنده می باشد. این زلزله که گفته می شود بزرگترین زلزله در سال‌های اخیر در افغانستان بوده است، ساعت ۱:۴۰ دقیقه ظهر روز دوشنبه گذشته اتفاق افتاده است. حکومت نیز در این رابطه جلسه فوری تشکیل داده و دستور اقدام های مقتضی را جهت مدیریت بحران ناشی از زلزله را صادر نموده است.

افغانستان یکی از محدودترین کشور های جهان است که در برابر مصایب طبیعی به شدت آسیب پذیر می باشد. این آسیب پذیری علت های مختلفی دارد. عدم توسعه کشور از مهم ترین عوامل این آسیب پذیری محسوب می شود. محرومیت همه جانبه ای که در کشور وجود دارد، عدم دسترسی جامعه به سهولت ها و امکانات اولیه زندگی، بخصوص در عرصه ساخت و ساز منازل، راههای ارتباطی، عدم برخورداری از سازمانهای امدادی مجهز و با تجربه و... سبب گردیده است که مردم در برابر کوچکترین حادثه طبیعی و غیرطبیعی جان خود را در خطر ببینند. چنانچه چند روز قبل، در اثر بارندگی های شدید در کابل، پایتخت کشور، یک تن از شهروندان کابل به علت فرو افتادن در یک چاله، و نبودن امکانات نجات توسط شهرداری، جان خود را از دست داد. جالب اینجاست که جسد این فرد بعد از چندین روز، آن هم توسط یک چنگک بدست آمد!

مردم ما در حالی با حوادث سخت طبیعی دست و پنجه نرم می نمایند که تا هم اکنون از مصایب و پس لرزه های بحران های سی ساله نجات نیافته اند. جنگ و خشونت هنوز در کشور جریان دارد. مخالفین مسلح در ولایات و مناطق دور افتاده امنیت زندگی و کار را از مردم سلب نموده اند. در نواحی که تحت کنترل دولت قرار دارد بعلت بی قانونی و فساد اداری و فقر و بیکاری که بصورت گسترده و عمیق وجود دارد، مردم کاملا در ناامنی و یاس بسر می برند. بررسی کوتاه از وضعیت جاری کشور نشان میدهد که متاسفانه برخلاف ادعا های گزاف وغیر واقعی که درباره کمک به مردم افغانستان و مسئله بازسازی صورت می گیرد، کم ترین توجه در زمینه های یاد شده صورت گرفته است. فقر و بیکاری در کشوری که در هرقدم آن نیاز به کار و سازندگی است خود بیانگر عمق فاجعه همه جانبه می باشد. با آنکه طی سالیان گذشته بارها مردم و نهاد های اجتماعی و سیاسی صدای اعتراض خود را نسبت به عدم توجه درباره بازسازی و ایجاد شغل و کار برای مردم بلند نموده اند، اما متاسفانه که گوش مسئولین در این باره کر و ناشنوا بوده است. و صدتاسف که این وضعیت در سال روان بیش از گذشته تشدید گردیده است. مسئولین حکومتی در طی چند سال گذشته فقط به فکر حفظ مقام و رتبه خود بوده و یا تلاش نموده اند که در فرصت پیش آمده ذخایر و منابع پولی خود را از جیب ملت محروم پر نمایند.

متاسفانه ادامه وضع موجود سبب گردیده است که ساختار اداری و ارائه خدمات به جامعه از سوی حکومت در حد حرف باقی بماند. با گذشت سیزده سال هنوز حکومت از داشتن یک برنامه و نیروی آماده در حوادث غیر مترقبه کشور محروم است. این در حالی است که سازمان های چون هلال احمرافغانی وجود دارد، بخشی از وزارت داخله در این رابطه مسئولیت مستقیم دارد. از همه بالاتر اینکه کمیسیون حالات اضطرار از سوی رئیس جمهور تشکیل گردیده است.

در یک جامعه مسئول باید این سوال مطرح باشد که وظیفه نهاد های یادشده چیست ؟ آیا آنان به وظایف خویش مسئولانه عمل نموده اند ؟ اگر آنان بوظایف خویش آگاهی دارند، و بوظیفه خود عمل نموده اند ،پس این کاستی ها و عدم رسیدگی به آسیب دیدگان جامعه چه توجیهی دارد؟ اما در جامعه ای که احساس مسئولیت وجود ندارد، حکومتی که خود را در برابر سرنوشت مردم مسئول نمی داند، فقط باید منتظر فاجعه بود. در آن جامعه جز فاجعه و پیامد های ناگوار آن چیز دیگری نمی توان انتظار داشت. البته این اعتراض آن دسته از تلاش ها و کوشش های صورت گرفته را نفی نمی نماید. اما واقعیت آنست که میزان و چگونگی رسیدگی به آسیب دیدگان طبیعی در کشور در حد استندرد نبوده و حداقل آن نیز با تردید صورت می گیرد. حقیقت تلخ دیگری که باید به آن اشاره داشت اینست که در جامعه فقیر، در کشوری که دچار زمامداران فاسد و بی کفایت گردید، در حکومتی که جز فساد و جاه طلبی و زر اندوزی، خدمت برای مردم مطرح نباشد ،اگر هر نعمتی وجود داشته باشد، این نعمت برای آن جامعه بدل به نقمت می گردد. اگر مصیبتی نازل گردد، آن مصیبت چند برابر می شود. به همین دلیل اگر نزول رحمت الهی در زمستان صورت میگیرد در جامعه ما به دلیل فقدان امکانات و نبود سهولت های لازم و بی توجهی زمامداران، برف زمستانی موجب بلا و عذاب مردم می گردد. اگر در بهار باران می بارد تا خشک سالی های چندساله رفع گردد، بازهم بخاطر بی توجهی مسئولان در ساختن بندها و جایگاههای ویژه ای که بتوان سیلاب را کنترل و مهار نمود، این باران بدل به نقمت می گردد. حال اگر در حادثه ای چون زمین لرزه چند روز گذشته بوقوع بپیوندد، طبیعی خواهد بود که مصیبت چند برابر خواهد شد. براستی برای مردم مصیبت زده افغانستان بسیار سخت و جانکاه است که هنوز از مصائب بحران و جنگ های گذشته رهایی نیافته اند، سایه شوم نا امنی بر زندگی شان مستولی است، دشمنان انسانیت هر لحظه جان آنان را در معرض تهدید و مرگ قرار میدهند، در چنین وضعیتی خشم طبیعت نیز نازل می گردد. وقوع چنین حوادثی فقط مصیبت، درد و رنج مردم را افزایش خواهد داد و آینده را در برابر چشمان غم گرفته شان تیره تر خواهد ساخت! آنان سوگمندانه در غم و مصیبت خویش سوگوار اند و می سوزند، اما زمامداران و سیاست بازان در سودای بقای قدرت و اشباع حس قدرت طلبی شان، برگور های جان باختگان چنین مصیبت های به پای کوبی مشغول اند و از خنده های زهردار نسبت به حال این مردم رنج دیده لذت می برند!

حقیقت روشن آنست که اگر زندگی و طبیعت بر ما خشم گرفته است و چالش های متعددی را سرراه ما قرار داده است انسانیت و شعور انسانی ما حکم می نماید که ما بعنوان جامعه بشری در مقابل خشم طبیعت، رأفت و نوع دوستی و همیاری انسانی خود را تقویت نماییم. رویدادهای طبیعی بایستی زنگ بیدار باش را برای ما بصدا در آورد. اگر ما بعنوان انسان به یکدیگر یاری نرسانده و به ندای وجدان گوش فرا ندهیم هرگز قادر نخواهیم بود که در برابر مشکلات و فجایع و رویدادهای طبیعی و غیرطبیعی موجودیت خود را حفظ نماییم. هرچند در این راستا حکومت بعنوان نهاد مسئول بصورت مستقیم مسئولیت دارد که پیشگام باشد و تدابیر و اقدام ها و امکانات لازم را جهت کمک رسانی و امداد از آسیب دیدگان فراهم گرداند، اما پرواضح است که مسئولیت شهروندان نیز در این باره جدی و مهم می باشد. به معنای دیگر انسانیت انسان ها معمولا در شرایط بحرانی و خطر و رویدادهای سخت و تلخ آشکار می گردد.

کارتون روز

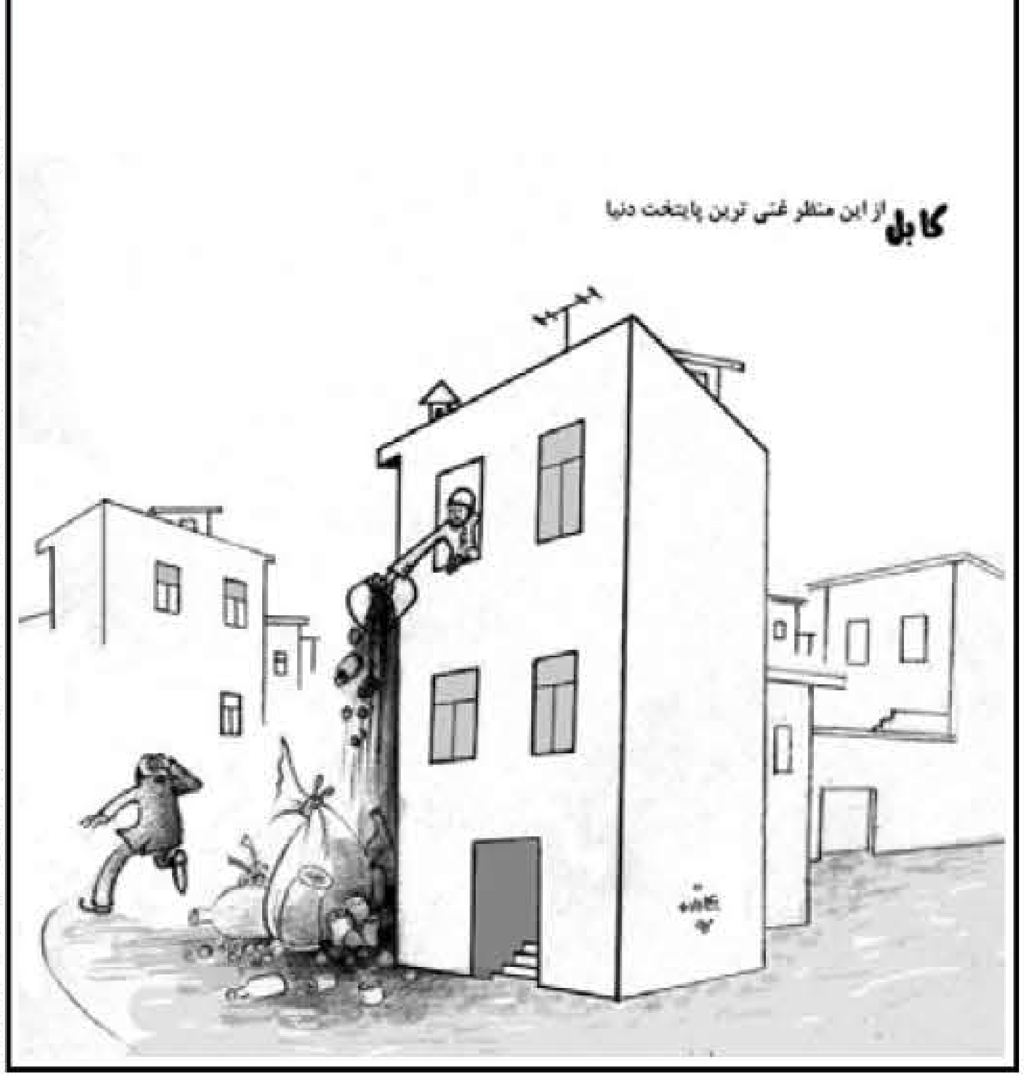
کابل
از این منظر غنی ترین پایتخت دنیا

افغانستان
The Daily Afghanistan
Outlook AFGHANISTAN

☐صاحب امتیاز: داکتر حسین یاسا
☐مدیر مسوول: محمد رضا هویدا ۰۷۹۸۳٤۱۸٦۱
☐سردبیر : حفیظ الله زکی ۰۷۹۹۱۵۷۳۷۱
☐ کاریکاتوریست: خالق علی زاده
☐دیزاین:علی‌اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
☐مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان
☐آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۷- ۱۳۷

◇
روزنامۀافغانستان از همۀ دانشمندان و نویسندگان
دعوت به همکاری می نماید.
هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد.
مقالات وارده بازگردانده نمی شود.
مسئولیت مقالات به عهدۀ نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیانگر
دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.
◇
روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.
◇
www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com